

بررسی سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد بر اساس لایه واژگانی

لیلا منصوری، مهتری تلخابی*، حیدر حسنلو، نزهت نوحی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

سال هجدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۷، صص ۱۹۲-۱۶۹

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7747>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از شیوه‌های کاربردی در علم سبک‌شناسی متن بنیاد و ساختارگراست که اثر را در لایه‌ها و سطوح خرد تا کلان، شامل لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک تحلیل و بررسی مینماید. در این شیوه زبان با توجه به بافت موقعیتی تحلیل میشود. یکی از لایه‌های مورد بررسی در سبک‌شناسی مدرن، لایه واژگانی است. هدف اصلی در پژوهش پیش رو بررسی و تحلیل زبان زنانه بکار رفته در پنج اثر برگزیده ادبیات معاصر از زویا پیرزاد میباشد. در این جستار با تکیه بر نظریه لیکاف و سبک‌شناسی لایه‌ای قصد داریم واژگان بکار رفته در این آثار را از منظر سبک زنانه تحلیل و واکاوی نماییم.

روش مطالعه: این پژوهش بشیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و کوشیده است سبک زنانه در آثار برگزیده زویا پیرزاد را بر اساس سبک‌شناسی واژگانی مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد. محتوای مقاله به جز بهره‌گیری از نظریات مرتبط با سبک‌شناسی لایه‌ای با تأکید بر کتاب فتوحی رودمعجنی و نظریات لیکاف، محصول تحلیل و بررسی شخصی نگارندگان نیز میباشد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که زبان کلی آثار زویا پیرزاد در آثار مورد مطالعه، ویژگیها و شاخصه‌های مرتبط با سبک واژگانی زنان از نظر لیکاف و سبک‌شناسی لایه‌ای را داراست.

نتایج پژوهش: نتایج پژوهش نشان میدهد که واژگان و صفت‌های عاطفی، تشدیدکننده‌های واژگانی، نشانگرهای تردید، رنگواژه‌ها، واژگان حسی، سوگند واژه‌ها، پرهیز از دشواژه‌ها، تکیه‌کلامهای زنانه، واژگان حوزه خانه‌داری و مختص زنان، تکیه‌کلامهای زنانه و تصدیق‌کننده‌ها از جمله بارزترین نموده‌های سبک واژگانی زنانه در آثار مورد بررسی از پیرزاد در حیطه پژوهش انجام شده است. بر اساس نتایج تحقیق، رمان «چراغها را من خاموش میکنم» در تمامی موارد از بسامد واژگان زنانه بیشتری نسبت به سایر کتب مورد بررسی بهره گرفته است.

تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۱۹ شهریور ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۰۴ مهر ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۹ آبان ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

سبک زنانه، سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه واژگانی، لیکاف، زویا پیرزاد.

* نویسنده مسئول:

✉ mehri.talkhabi5458@iau.ac.ir

☎ ۰۰۹۵۰۳۳۴۶۹۵۰ (۲۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the layers of feminine style in the works of Zoya Pirzad based on the lexical layer

L. Mansouri, M. Tatkhabi*, H. Hassanloo, N. Noohi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 August 2024

Reviewed: 09 September 2024

Revised: 25 September 2024

Accepted: 09 November 2024

KEYWORDS

women's style. Layered stylistics. lexical layer. Lakoff. Zoya Pirzad.

*Corresponding Author

✉ mehri.tatkhabi5458@iaau.ac.ir

☎ (+98 24) 33469500

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Layered stylistics is one of the applied methods in the science of foundational and structuralist text stylistics, which analyzes and examines the work in micro to macro layers and levels, including phonetic, lexical, syntactic, rhetorical and ideological layers. In this way, language is analyzed according to the situational context. One of the investigated layers in modern stylistics is the lexical layer. The main goal of the upcoming research is to investigate and analyze the feminine language used in five selected works of contemporary literature by Zoya Pirzad. In this essay, relying on Lakoff's theory and layered stylistics, we intend to analyze the words used in these works from the perspective of women's style.

METHODOLOGY: This research was conducted in a descriptive-analytical way based on library studies and tried to analyze and analyze the female style in Zoya Pirzad's selected works based on lexical stylistics. The content of the article, apart from the use of theories related to layered stylistics with an emphasis on the book Fotuhi Roud Majani and Lakoff's theories, is also the product of the authors' personal analysis and investigation.

FINDINGS: The research findings indicate that the general language of Zoya Pirzad's works in the studied works has characteristics and indicators related to women's lexical style in terms of composition and layered stylistics.

CONCLUSION: The results of the research show that emotional words and adjectives, lexical intensifiers, doubt markers, color words, emotional words, swear words, avoiding bad words, feminine idioms, household words and specific to women, feminine idioms and affirmatives are among the most obvious aspects of style. Feminine vocabulary in the examined works of Pirzad has been carried out in the scope of the research. According to the results of the research, the novel "I turn off the lights" in all cases has more frequency of female words than other books under review.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7747>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 6	 9

مقدمه

سبک‌شناسی علم مطالعه سبک است که تحلیل تمایزها در زبان و تأثیر آنها در ایجاد شیوه‌های متمایز در هر اثر می‌پردازد. در مقدمه الشعر و الشعرا اثر ابن‌قتیبه دینوری در تعریف سبک آن را به طرز، شیوه و سیاق تعبیر نموده شمیسا در تعبیری از «بوفون» نویسنده قرن هجدهم آورده: «سبک خود شخص است [به این معنا که] سبک هر اثر دقیقاً مبین شخصیت نویسنده آن است و شیوه نگرش او را بجهان و پدیده‌ها فاش میکند» (ر.ک خجسته‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۴۸). در تعریف دیگری از سبک‌شناسی آمده است: «سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینشها و روشهای استفاده از زبان‌شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیباییها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی بکار می‌رود» (فتوحی‌رودمعجنی، ۱۳۹۲: ص ۹۲). سیمپسون^۱ در تعریف دیگری از سبک می‌گوید: «سبک‌شناسی روشی است که بکمک آن متن تفسیر میشود و در آن اولویت با زبان است چرا که زبان سطوح مختلف و صورتهای گوناگون و ساختار یک اثر را تشکیل میدهد و شاخص مهمی در تحلیل متن بحساب می‌آید (وردانک، ۱۳۹۳: ص ۱۹۸). در حقیقت سبک‌شناسی تحلیل و بررسی زبان متن است که در آن تمامی مسائل اعم از آوا، واژه‌ها، نحو، بلاغت، معنا و ایدئولوژی نهفته در پس زبان ارزیابی میشود. بدین ترتیب میتوان اذعان کرد سبک‌شناسی یکی از مهمترین فنون تحلیلی زبان جهت تفسیر متن و شناخت ویژگیهای آن است. تحلیل و بررسی سبکی یک اثر با روشها و رویکردهای مختلفی انجام میشود که در این میان مطالعات زبان‌شناسی نوین در یافتن و تحلیل هر چه دقیقتر و بهتر سبک هنرمندان، شاعران و نویسندگان روشی کارآمد و بسیار قابل توجه است. از میان این رویکردها، سبک‌شناسی لایه‌ای نگاهی همه‌جانبه به زبان متن دارد و قادر است ویژگیها و شاخصه‌های سبکی اثر را ذیل لایه‌های مختلف بخوبی بررسی نماید. «سبک‌شناسی لایه‌ای تلفیقی از سبک‌شناسی ساختگرا و کاربردی است که زبان متن را به لایه‌های مختلف تقسیم میکند و هر لایه را بصورت جداگانه‌ای بررسی مینماید» (علوی مقدم، ۱۳۹۸: ص ۵۷). سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از روشهای نقد ادبی و از رویکردهای زبان‌شناسانه معاصر است که به تحلیل و بررسی سطوح گوناگون زبان در یک اثر از خردترین لایه (آوا) تا کلان لایه‌ها (معناشناسی) می‌پردازد. مساله اصلی پژوهش حاضر، تحلیل و واکاوی بافت واژگانی مجموعه آثار داستانی زویا پیرزاد از نویسندگان زن معاصر با راهبرد سبک‌شناسی لایه‌ای است که در آن تلاش شده است مؤلفه‌ها و گزاره‌های زبان زنانه پیرزاد بر اساس لایه واژگانی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس پرسش اصلی و اساسی تحقیق آن است که برجسته‌ترین مؤلفه‌های واژگانی و مهمترین عناصر سبک‌ساز زنانه در آثار پیرزاد بر اساس لایه واژگانی در سبک‌شناسی لایه‌ای شامل چه مواردی است؟ آیا پیرزاد توانسته با کمک لایه واژگانی، جنسیت زنانه را در آثار خویش منعکس نماید یا خیر؟

ضرورت و هدف پژوهش

بر اساس جستجوهای بعمل آمده تاکنون مطالعه‌ای کامل و همه‌جانبه پیرامون بررسی لایه‌های سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای (واژگانی) منتشر نشده است از این رو با توجه به خلاء پژوهشی پیش‌رو، ضرورت انجام این تحقیق مشخص میشود. هدف اصلی نگارندگان در این جستار، شناخت دقیق شاخصه‌های سبک زنانه پیرزاد در خرد لایه واژگانی است تا دریابیم که این نویسنده مطرح زن چگونه از واژگان در خدمت سبک زنانه خویش بهره گرفته است.

۱. simpson

نوآوری پژوهش

تجزیه و تحلیل مربوط به خرد لایه‌های متنی در سبک‌شناسی لایه‌ای رمان و داستان، راهی است جهت نشان دادن سبک نویسنده در بافت اثر با هدف درک و دریافتی عمیق‌تر از متن که اصلیتین هدف علم سبک‌شناسی است، از آنجا که تجزیه و تحلیل لایه واژگانی در راستای سبک زنانه آثار برجسته زویا پیرزاد تا زمان انجام این مقاله منتشر نشده است، موضوع این مقاله کاملاً تازه و نوآورانه است و می‌تواند راهگشای تحلیلگران عرصه رمان‌نویسی زنانه و منتقدان باشد.

پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات و تحقیقات پیرامون حوزه جنسیت و زبان به اواخر دهه هفتاد میلادی بازمی‌گردد. زبان‌شناسانی چون لیکاف^۱ نخستین بار بطرح موضوع جنسیت در مسأله زبان پرداختند لیکاف در پژوهشی با عنوان «زبان و جایگاه زن» (۱۹۷۵ م) نخستین بار اعلام کرد که زنان و مردان بگونه‌ای متفاوت از هم زبان را مورد استفاده قرار می‌دهند (رک لیکاف، ۱۴۰۲: ص ۱۲). در ایران نیز مطالعات و تحقیقات ارزنده‌ای صورت گرفته است؛ از جمله سراج در کتاب «گفتمان زنانه: روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی» به بحث و بررسی ده اثر منتخب با دیدگاه جامعه‌شناسی زبان پرداخته و با بهره‌گیری از رویکرد سبک‌شناسی از نظر هلیدی به سیر تحول و دگرگونی در گفتمان زنانه در این آثار پرداخته است. محمدی اصل در کتاب «جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی» ضمن مطالعه تاریخچه مطالعات مربوط به جنسیت و زبان، جنسیت در زبان زنانه و مردانه را تحلیل کرده است. الهامی و دیگران (۱۴۰۳) در مقاله «تبیین شاخصه‌های نوشتار زنانه در دو رمان او یک زن و بازی آخر بانو» منتشر شده در نشریه پژوهشنامه زبان ادبی، دوره ۲، شماره ۵، خصوصیات نوشتار زنانه در دو اثر بازی آخر بانو و او یک زن را تحلیل نموده و نتیجه گرفته‌اند که لایه واژگانی در رمان بازی آخر بانو با ۶۲ درصد و در رمان او یک زن با ۸۲ درصد بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

حسن‌زاده و دیگران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبک رمانهای برگزیده زنان معاصر دهه ۸۰ تا ۹۰» نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال هفدهم، شماره یکم ضمن تحلیل رمانهای نویسندگان برجسته زن در دو دهه هشتاد تا نود از جمله فریبا وفی، شهرنوش پارس‌پور، منیرو روانی‌پور و زویا پیرزاد نتیجه گرفته‌اند که در لایه ایدئولوژیک این آثار نویسندگان زن سعی داشته‌اند تا وضعیت اسف‌بار زنان را در قالب جملات کوتاه، تصاویر بلاغی، تشبیهی و کلمات نشان‌دار بتصویر بکشند.

رحیمی و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «مؤلفه‌های شاخص واژگانی در رویکرد لیکاف در رمانهای شیوا ارسطویی و سیمین دانشور با تأکید بر دشواری‌ها، رنگ‌واژه‌ها، و سوگندواژه‌ها» به این مسأله پرداخته‌اند که در داستانهای سیمین دانشور و ارسطویی، زبان زنانه بلحاظ واژگانی و اصطلاحات متفاوت از زبان مردان است و با الگویی که لیکاف در خصوص زبان زنانه مطرح نموده است مطابقت دارد.

خجسته‌پور و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در رمان اهل غرق منیرو روانی‌پور با تکیه بر سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز» نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۱۵، شماره ۸۲، به این نتیجه رسیده‌اند که رنگ‌واژه‌ها، تعدد شخصیت زنان، فراوانی جملات خبری، توصیف‌های کوتاه و کاربرد جملات پرسشی بصورت حدیث نفس در رمان اهل غرق اثر روانی‌پور از شاخصه‌های سبک زنانه‌نویسی می‌باشد.

۱. Robin Lakoff

باقری و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک‌شناسانه رمانهای نویسندگان زن» ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) سال سیزدهم، شماره سوم بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای، سطوح آوایی، واژگان زنانه، رنگواژه‌ها، سطوح نحوی و سطح بلاغی را در هفت رمان معاصر از جمله چراغها را من خاموش میکنم از زویا پیرزاد تحلیل و بررسی نموده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان میدهد که در سطح آوایی برجستگی معناداری در سبک نویسندگان وجود ندارد. اما دشنام، نفرین و استفاده از رنگهای خاص در کنار تشبیه، استعاره و کنایه و لحن رسمی و مؤدبانه در سطوح واژگانی، بلاغی و نحوی نشان‌دهنده سبک زنانه در آثار مورد بررسی است. یونسی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر» هفت رمان از چهار نویسنده زن و مرد را در حیطه سبک زبانی (آوایی، واژگانی و نحوی) تحلیل و ارزیابی کرده و نتیجه گرفته‌اند که نشانه‌های سبک زنانه در لایه واژگانی و نحوی چندان قابل اثبات نیست اما تفاوت معناداری در شیوه‌های روایت، زاویه دید، شخصیت‌پردازی، لحن و صحنه در میان نویسندگان مرد و زن وجود دارد. قاسم‌زاده و علی‌اکبری (۱۳۹۵) در مقاله «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من» به این نتیجه رسیده‌اند که بر طبق ایدئولوژی حاکم بر رمان، زبان مردانه ابزاری در جهت مردسالاری در داستان تقویت موقعیت مردان است.

روش پژوهش

مقاله پیش‌رو گزارشی است از یک مطالعه کتابخانه‌ای، بروش توصیفی - تحلیلی بر مبنای ارائه داده‌های آماری در پنج اثر از زویا پیرزاد - نویسنده معاصر - بر اساس سبک‌شناسی واژگانی که در آن مصادیق بصورت تصادفی از ۶۰۰۰ جمله در تمامی آثار انتخاب شده و بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای در لایه واژگانی با بهره‌گیری از کتاب سبک‌شناسی فتوحی رود معجنی (۱۳۹۲) مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهد گرفت. این پژوهش با نگاه خاص به سبک زنانه پیرزاد به اقتضای موضوع از روش استدلالی و بهره‌گیری از نظریات علمی از جمله نظریه لیکاف پیرامون سبک زنانه و زنانه‌نویسی در ارائه نتایج نهایی بهره گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل پنج رمان زویا پیرزاد «طعم گس خرما»، «چراغها را من خاموش میکنم»، «مثل همه عصرها» رمان «یک روز مانده به عید پاک» و «عادت میکنیم» است.

بحث و بررسی

سبک‌شناسی لایه‌ای^۱

سبک‌شناسی لایه‌ای را دانش مطالعه و بررسی یک متن بر اساس لایه‌های گوناگون آن اثر دانسته‌اند. سبک‌شناسی لایه واژگانی عبارتست از «بررسی کوچکترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه معنای آنها، ائتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دالها، نشانه‌ها و مانند آن» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۲: ص ۲۳۸). در سطح از بررسی لایه‌ای واژه‌های بیگانه، مهجور، میزان سره‌نویسی، نوع انتخاب واژه‌ها و کاربرد آنها در ایجاد سبک (اعم از سبک زنانه و...) مشخص میشود و عامیانه یا رسمی بودن، حسی و انتزاعی بودن آن، ابداعات واژگانی که همگی در راستایی زیبایی‌شناسی سبک‌بازد مورد تحلیل و واکاوی قرار میگیرد. در مطالعات سبک‌شناسی نوین این لایه‌ها شامل بررسی پنج سطح آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک سطوح خرد تا کلان یک متن را میتواند تحلیل

۱. Layer stylistic

نماید. در سبک‌شناسی لایه‌ای برخلاف شیوه سنتی که در آن واحد تحلیل «جمله» است به ساختار باز لایه‌های یک متن بعنوان واحد تحلیل توجه میشود تا تمایزات سبکی و مشخصه‌های نوشتاری یک اثر، ژانر و دوره آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. (ر.ک دریر، ۱۳۹۳: ص ۱۱۵). آنچه که سبک‌شناسی لایه‌ای و مطالعات سبکی از این منظر را حائز اهمیت میسازد آنکه بکمک این روش، میتوان برجستگیهای معنادار زبانی و اندیشگانی اثر را در تمامی لایه‌ها از سطوح خرد تا کلان، مورد ارزیابی قرار داد.

جنسیت و زبان

میان جنس و جنسیت تفاوت وجود دارد بدین معنا که آنچه که در حیطه جنس مطرح میشود، تفاوت زیستی و کالبدی زن و مرد است اما «جنسیت تمایزی انسانی است که در بستر اجتماع شکل میگیرد و توصیف ویژگیهایی است که یک جامعه یا فرهنگ را مردانه یا زنانه میکند. بر اساس نظریه فمینیستها جنسیت موجب فرودستی و فرادستی زنان و مردان میشود. جامعه‌پذیری یکی از مهمترین عوامل ایجاد تقویت، تثبیت و انتقال جنسیت است. بر این اساس برداشت زنان و مردان از جهان در نحوه بیان افکار آنان تأثیر میگذارد و افکار بمنزله رفتاری زبانی، شاخصه‌ها و ویژگیهای خاصی را در خود منعکس مینماید. بر اساس نظر لیکاف شاخصه‌های زبان زنانه که جنسیت را مشخص میسازد شامل استفاده از نشانه‌های واژگانی یعنی واژگان خاص زنانه [واژگانی در حیطه مد، دکوراسیون، عشق، غم، اجتناب از دشنام، بهره‌گیری از صورتهای محترمانه کلمات و مانند اینها، نشانه‌های واجی مانند تلفظهای درستر و دقیقتر و نیز کاربردهای نحوی مانند بهره‌گیری از ساختار جملات پرسشی و شک و عدم قطعیت در کلام است (ر.ک لیکاف، ۱۴۰۳: صص ۲۱ - ۲۸).

جنسیت و سبک زنانه

مسأله جنسیت و زبان نخستین بار از سوی فمینیستها مطرح شد. اینکه آیا زبان زنانه و مردانه وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش باید اذعان داشت که گرچه عناصر زبان در ماهیت و ذات خود دارای جنسیت خاصی نیستند اما میتوانند تمایزات جنسی را بنوعی بتصویر بکشند. در تعریف زبان زنانه که جنسیت زن را نشان میدهد آمده است: «زبان جنسیتی اصطلاحی است که نظریه‌پردازان فمینیستی از آن در زبان‌شناسی استفاده میکنند تا هویت متمایز زبانی زنان را توصیف کنند آنها میگویند هر دو جنس نظامها و کدهای ساختارهای ویژه خود را دارند که گاه یک زبان نامیده میشود» (فیاض و رهبری، ۱۳۵۸: ص ۱۰). البته بنظر میرسد که ریشه این تفاوتها، در نقشهای مختلف اجتماعی است که در دو جنس زن و مرد از هم متمایز است. آنچه که مسلم است آنکه در زبان فارسی چیزی به نام جنسیت بلحاظ دستوری وجود ندارد گرچه گفتمان زنانه در آثار ادبی (اعم از شعر و داستان) بسیار قابل توجه است. این عناصر در قالب اصوات و آواها، کاربرد واژگان و تعابیر و صورتهای نحوی خاص میباشد. فتوحی رود معجنی در خصوص سبک‌شناسی معتقد است که این شاخه از مطالعات سبکی امروزه به یکی از شاخه‌های بسیار مهم سبک‌شناسی بدل شده است و چارچوب نظری‌اش را از ادبیات فمینیستی اقتباس نموده است (۱۳۹۲: ص ۱۱۴). بر اساس نظریه DSL^۱ لیکاف، زنان و مردان در سخن گفتن و نوشتن، زبانی متفاوت از یکدیگر دارند که ذیل سه دسته کلی طبقه‌بندی و تقسیم میشود ۱- نشانه‌های واژگانی (یعنی واژگان مختص زبان) ۲- نشانه‌های واجی (تلفظ دقیق و بعضاً صحیحتر آواها و زنجیره‌های آوایی کلام) ۳- ویژگیهای کاربردی و نحوی و

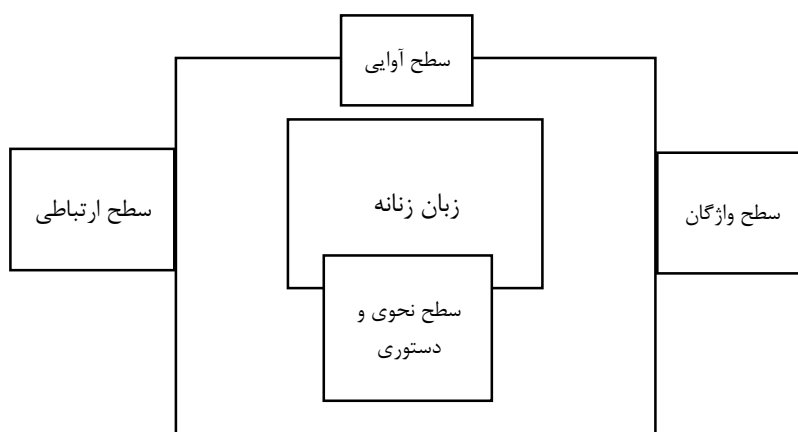
۱. The Depth of sexuality language (DSL)

ساختار پرسشی و بیانی احترام‌آمیز). در خصوص سبک‌شناسی زنانه یا زنانه‌نویسی فتوحی معتقد است این نوع از تحلیلها که خود شاخه‌ای مهم در مطالعات سبک‌شناسی است، ساختار و چارچوب اصلی و نظری خویش را از مطالعات ادبی فمینیستی اخذ و اقتباس نموده است (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۴). زنانه‌نویسی در حقیقت روشی است که نویسنده در آن تلاش میکند محتوای اثر زنانه و متفاوت از آنچه باشد که مردان در عرصه شعر و داستان بتصور میکشند در حقیقت میتوان آن را «نوشتن از مسائل، مشکلات، حالات و روحيات خاص زنان [دانست] که بمنظور شناساندن شعور و حساسیتهای جنس زن پدید می‌آید. مسائل خاص زنان عبارت است از وضعیتهای و تجربه‌هایی که از لحاظ روحی و فیزیولوژیک تنها در زنان است و مردان فاقد آن مسائلمند و بلحاظ فقدان تجربه زیستی در نگارش آن به پای زنان نمیرسند. مثلاً نگارش تجربه عواطف مادری و... چنین مضامینی صرفاً به ادبیات زنانه تعلق دارد» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۲: ص ۴۰۲).

واژه‌ها در سبک

«پس از واج و تکواژ که به‌ترتیب کوچکترین واحد زبانند، واژه‌ها قرار میگیرند. واژه‌ها، واحد معناداری هستند که برای انتقال مفاهیم در زنجیره گفتار بکار میروند. واژه قادر است کوچکترین و ناپایدارترین مراحل گذر را در دگرگونیهای اجتماعی ثبت کند. منتقدان بر این عقیده‌اند که مهمترین کار سبک‌شناس، بررسی واژه‌های متن است [اتا جایکه] بسیاری سبک را هنر واژه‌گزینی میدانند. بخش عمده‌ای از سرشت سبک را نوع‌گزینش واژه‌ها، میسازد. واژه‌ها ایستا و منجمد نیستند بلکه جان‌دار و پویا هستند. تاریخ و زندگی‌نامه دارند حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند. برخی ثابت و انعطاف‌پذیرند برخی در اثر فشار بافتهای مختلف تغییر شکل و معنا میدهند و جدال و انگیزشی مدام برای تخیل نویسنده ایجاد میکنند» (شیر دست و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۲۶).

شکل شماره (۱). الگوی زبان زنانه لیکاف (۱۴۰۳)



معرفی زویا پیرزاد و خلاصه رمانهای مورد بررسی

زویا پیرزاد داستان‌نویس معاصر در سال ۱۳۳۱ در آبادان از پدری اصالتاً روسی و مادری ارمنی متولد شد و در همانجا بمدرسه رفت. پیرزاد، سه مجموعه داستانی کوتاه با عنوان «مثل همه عصرها» (۱۳۷۰)، «یک روز مانده به عید پاک» (۱۳۷۷) و «طعم گس خرمالو» (۱۳۷۶) دارد. دو رمان بلند وی «چراغها را من خاموش میکنم» (۱۳۸۰) و «عادت میکنیم» (۱۳۸۲) میباشد. داستانها و رمانهای پیرزاد تاکنون برنده جوایز مختلفی شده است از جمله برنده بهترین رمان سال ۱۳۸۰، جایزه بهترین رمان بنیاد هوشنگ گلشیری (۱۳۸۰)، جایزه کتاب سال (۱۳۸۰)، جایزه بیست سال ادبیات داستانی (۱۳۷۶) پیرزاد در داستانهای خود بسیاری از دغدغه‌ها و زندگی طبیعی زنان را بصورتیکه میکشد تا جایگاه میتوان او را نویسنده‌ای بسیار زنانه توصیف کرد که از خانواده میگوید. پیرزاد را میتوان راوی جهان آرام، پیچیده و گاه دردناک زنان دانست که قهرمان قصه‌های او هستند.

رمان چراغها را من خاموش میکنم: داستان حول محور زندگی چند خانواده ارمنی که ساکن آبادان هستند میگذرد. خانواده‌هایی که اغلب کارمند شرکت نفت هستند و از زبان شخصیت اصلی زن داستان «کلاریس» روایت میشود و گرفتاریها و دغدغه‌های زنان در این رمان، سوژه اصلی پیرزاد است. داستان در پایان یک روز عادی و البته ملال‌آور در خانه‌ای از ساکنان شهرک (بریم) در اوایل دهه ۴۰ را روایت میکند، فضایی رئالیستی که با حوادث ملی شدن صنعت نفت بلحاظ تاریخی عجین شده است. پیرزاد از میان این وقایع مختلف، حوادثی را که بر روی خانواده تأثیر میگذارد مورد توجه قرار داده است.

طعم گس خرمالو: طعم گس خرمالو مجموعه داستانهای کوتاهی هستند که در پنج داستان لکه‌ها، آپارتمان، پرلاشز، ساز دهنی و طعم گس خرمالو نوشته شده است. داستان لکه‌ها داستان ازدواج علی و لیلیست که ازواجی ناموفق است. علی مردی بی‌توجه و لاابالی است و لیلیا یک تنه سعی میکند ازدواج و خانواده را حفظ کند. داستان آپارتمان داستان دو خانواده و زندگیهای آنهاست. مهناز قهرمان زندگی نخست زنی موفق است که از جانب همسرش تحقیر میشود و سیمین زنی خانه‌دار و کدبانو که برای همسرش جذابیتی ندارد.

مثل همه عصرها: مثل همه عصرها خلاصه‌ای است از تمامی دغدغه‌های زنانه مانند رابطه مادر و فرزند، زندگی زنان خانه‌دار بعنوان نمونه زنی که از پنجره خانه‌شان، زن همسایه را می‌بیند که غذا میپزد، رخت میشوید، با بچه‌ها کلنجار می‌رود و در پایان متوجه میشود این زنان، زنان غریبه نیستند بلکه خود او هستند که هر کدام هر روز زندگی یکنواخت و ملال‌آور خود را تکرار میکنند.

یک روز مانده به عید پاک: این داستان، روایتی از زندگی فردی ارمنی به نام ادموند است که سه بخش کودکی، جوانی و پیری او بصورت کشیده شده است. مادر ادموند دختر وی و زنان دیگر داستان نقش اساسی و مهمی در زندگی ادموند ندارند و روایت‌های سه‌گانه حول محور آنان میچرخد.

عادت میکنیم: این رمان داستانی است از زندگی سه زن از سه نسل متفاوت. مادر بزرگی به نام ماه منیر، مادری به نام آرزو و دختری به نام آیه. پیرزاد در رمان عادت میکنیم، دورنمایی از علایق و رنجهای متفاوت هر کدام از آنها را ارائه میکند.

تحلیل و بررسی داده‌ها

دشوآژه‌ها: «زبان‌شناسان معتقدند که زنان گرایشی ذاتی به استفاده از صورتهای مؤدبانه‌تر دارند زیرا فرایند اجتماعی شدن آنان بگونه‌ای است که جامعه همیشه از آنها رفتاری صحیحتر و بهتر انتظار دارد. همین کنترل

اجتماعی باعث شده تا زنان از کاربرد دشواژه‌ها بپرهیزند و در اندک مواردی از صورتهای زشت و بی‌ادبانه استفاده نمایند. از نظر زبان‌شناسی، زنان استادان استفاده از حسن بیان هستند اما برخلاف زنان، مردان در عرصه گفتار بسیار رقابت‌گرا و در پی نشان دادن برتری خود بطرف مقابل هستند و از نظر اجتماعی نیز آزادیهای بیشتری دارند. بهمین دلیل خیلی بیشتر از زنان از دشواژه‌های رکیک استفاده میکنند» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ص ۷۵). در آثار پیرزاد که مورد ارزیابی قرار گرفته است از دشواژه‌های رکیک موردی یافت نشد اما برخی از شخصیتها در هنگام عصبانیت، تنگنا و برخورد با مشکل بطور غریزی اما بسیار محدود و محافظه‌کارانه از نفرین و دشواژه‌های غیر رکیک استفاده کرده است. شخصیت‌های چهار داستان مورد بررسی پیرزاد، اصولاً زنان ناهنجار و بد رفتاری نیستند از این رو واژگان تند و خشن در کلام آنها چندان راه نیافته است و آنچه که از دشواژه‌ها در کلام آنان یافت میشود بیشتر ضمن مکالمات و در قالب الفاظ غیر رکیک و بعضاً نفرین بصورت محدود و معدود است که بسته به شرایط از آنها استفاده نموده‌اند و از این رو به نظریه سبک‌شناسی واژگان زنانه همخوانی دارد.

دشواژه‌ها و دشنامها واژگانی ممنوع هستند که از نظر عرفی و اخلاقی نباید آنها را به زبان آورد و یا اینکه در جمع ادا نمود. «دشواژه‌ها صورتهای زبانی هستند که ذکر آنها از لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ناشایست تلقی میشوند و بکارگیری نادرست و نابجای آنها منجر به سرافکنندگی یا از دست دادن موقعیت اجتماعی فرد میشود؛ اما در گفتار قشرهایی از جامعه به وفور بکار میرود. برخی از این واژه‌ها فحش و ناسزا هستند که نشان‌دهنده بار منفی و فرهنگی آنهاست، ناسزاها و الفاظ رکیک را میتوان در زمره این دسته قرار داد» (ارباب، ۱۳۹۱: ص ۱۱۲). استفاده از نفرین و دشنام یکی از ویژگیها و شاخصه‌های نوشتار زنانه است که بار معنایی منفی نیز دارد. از مجموع ۶۰۰۰ جمله مورد بررسی در چهار اثر مورد بررسی در داستان «مثل همه عصرها» (صفر)، «طعم گس خرمالو» (۱۰ مورد)، «یک روز مانده به عید پاک» ()، و «چراغها را من خاموش میکنم» ()، واژه بدست آمده که در جدول زیر به این ترتیب است.

«لعنت... با و ر کن تقصیر خودم نیست» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۲۶).

«از رستوران که بیرون می‌آمدند به ترانه سقلمه زد: اون ریشوی چشم زاغ میبینی» (همان: ص ۲۷).

«میگفت بی‌عرضه» (همان: ص ۳۳).

«زری آتیش به جون گرفته یه دقه آروم و قرار نداره» (همان).

«یکبار حسن لمش را پرسیده بود آشپز پوزخند زده اگه بخوام به هر جوجه‌ای یاد بدم که خودم از نون خوردن می‌افتم» (همان: ص ۳۵).

«پیرزن زد زیر گریه. آخر عمری میخوای ولم کنی بری؟ شیرمو حلالیت نمیکنم» (همان: ص ۳۸).

«من از بابا میترسم، نه نمیترسم، ازش متنفرم، کاش می‌مرد» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۱۷).

«پدرم حتماً میگفت پسر خرس گنده» (همان: ص ۶).

«تقصیر توست که این نرنازیهای دخترانه رو یاد پسر خرس گنده میدی» (همان).

«دختر مو وز وزی چاقی که با همه دعوا میکرد و مدام پشت سر طاهره میگفت دختر سراپیدار» (همان: ص ۷).

«خانم گریگوریان چی گفته؟ گفته تف به روت» (همان: ص ۸).

«لقبهایی که ارمنیهای جلفای اصفهان بهم‌دیگر میدادند خیلی از سر خوش جنسی نبود» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۷).

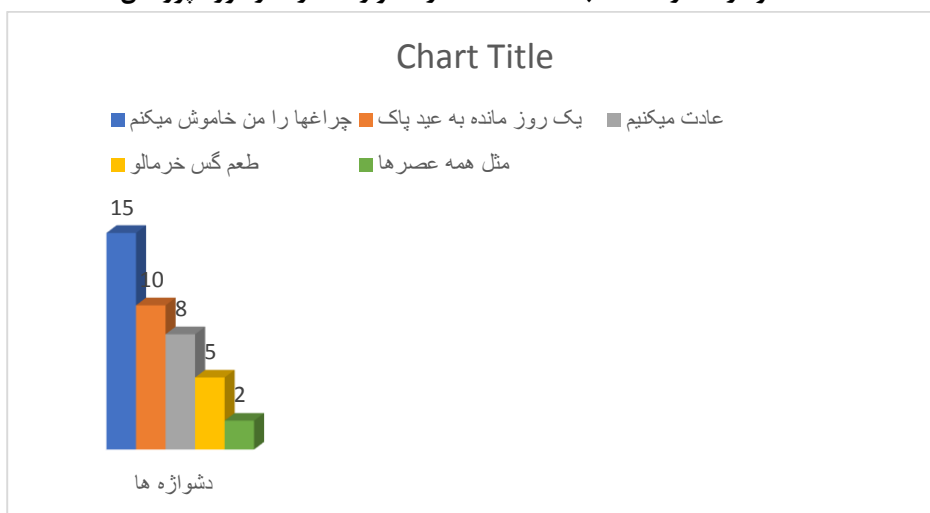
«فنجان را گذاشت روی میز: مال من که کوفت هم توش نیست» (همان: ص ۱۲).

«اگر این آیه تخم جن اجازه بده» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۱۹).

جدول شماره (۱). بسامد دشواژه‌ها در آثار مورد پژوهش

ردیف	نام اثر	بسامد
۱	مثل همه عصرها	-
۲	طعم گس خرمالو	۱۰
۳	یک روز مانده به عید پاک	۱۴
۴	چراغها را من خاموش میکنم	۲۱
۵	عادت میکنیم	۸

نمودار شماره (۱). بسامد استفاده از دشواژه‌ها در آثار مورد پژوهش



با توجه به نمونه‌های بدست آمده از پنج اثر مورد مطالعه، پیرزاد از دشواژه‌ها چندان استفاده نکرده است و در رفتار زبانی خویش بسیار محتاطانه و مؤدبانه برخورد کرده است. بر اساس نظریه لیکاف نیز یکی از ویژگی‌های سبکی زبان زنانه حُسن بیان و پرهیز از دشواژه‌ها و صورتهای غیرمتعارف و غیر مؤدبانه است از این رو مردان بسیار بیشتر از دشواژه‌ها و واژه‌های رکیک استفاده میکنند. با بررسی واژه‌های پیرزاد در ۶۰۰۰ جمله مورد بررسی میتوان نتیجه گرفت که شخصیت‌های زن در داستان چراغها را من خاموش میکنم و یک روز مانده به عید پاک تا حدودی از دشواژه‌ها - نه بصورت رکیک و نامتعارف - بلکه بصورت بسیار ملایم استفاده کرده است. پیرزاد در کاربرد نفرین، فحش، ناسزا و دشنام بسیار محافظه‌کار است و انتخاب کلمات را تا حدود زیادی بصورتی بسیار محترمانه گزینش نموده است.

سوگندواژه‌ها و قسمها

بلحاظ زبانی بنظر میرسد که سوگندواژه‌ها و قسم گرچه در میان تمامی طیفهای جامعه وجود دارد اما مردان بیشتر از زنان از سوگند و قسم استفاده میکنند. «سوگندواژه‌ها را به دو دسته سوگند به مقدسات دینی مانند به خدا، به

دین، به پیغمبر، به حضرت عباس، به مریم مقدس، به مسیح و امور ارزشی و مهم زندگی مانند به جان مادر، به جان بچه‌ها، به جان خود و... میتوان تقسیم نمود» (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ص ۱۸۹).

سوگند به امور مقدس

- «تو را به مسیح بیا آستی کنیم» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۲۹).
 «دروغ میگی، بگو به مسیح» (همان: ص ۴۶).
 «اگر یکبار دیگر حرف اتاقم را بزنی، به مسیح فرار میکنم» (همان: ص ۳۱).
 «شما را به خدا اذیت نکنید» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۴۱).
 «دفعه سوم حسن با قسم و آیه به مادرش قبولاند که حالش خوب شده» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۴۷).

سوگند به امور غیر مقدس

- «تو را به روح پدر قسم، حواست باشد» (همان: ص ۴۸).
 «تو را به روح پدر قسم» (ص ۱۴).
 «چرا مادر به روح پدر قسمم داد» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۶۳).
 «باور کن تعارف نمیکنم» (همان: ص ۷۴).
 «آلیس میگفت هر چه به یوپ گفتم باور کن نمیترسم، گفت الا و للا همین الان خودم را میرسانم بیمارستان» (همان: ص ۹۱).
 «باور کن راست میگم» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۶۸).

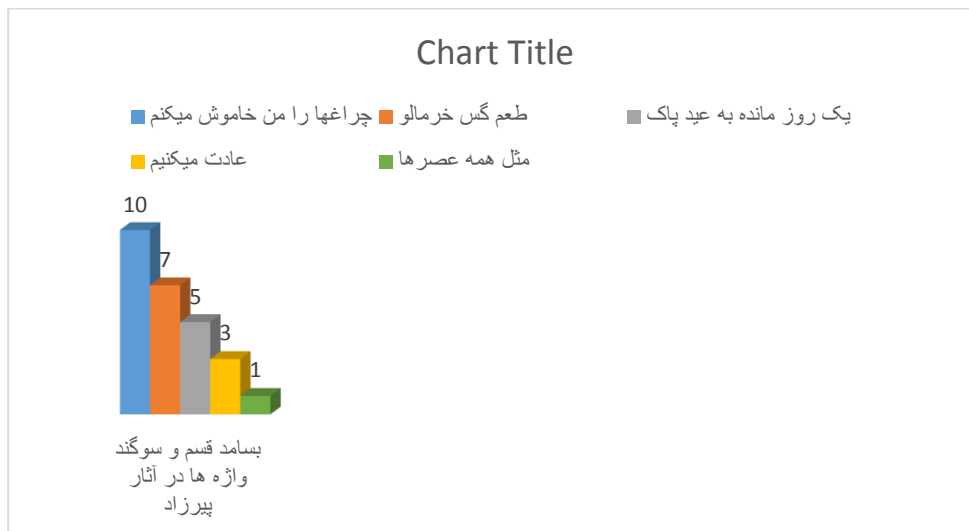
سوگند به امور مقدس:

- «بخدا بمسیح، بحضرت مریم من قایم نکردم» (همان: ص ۳۶).
 «آره بمسیح، من خرس گنده داشتم زهره ترک میشدم» (همان: ص ۹۱).
 کاربرد سوگندواژه‌ها در داستانهای مورد بررسی از زویا پیرزاد نشان میدهد وی بلحاظ اخلاقی بر اساس نظریه سبک‌شناسی زبان زنانه در لایه واژگانی چندان از سوگندواژه‌ها استفاده نکرده است و همسو با نظریات زبان‌شناسان و سبک‌شناسی لایه واژگانی زبان میباشد.

جدول شماره (۲). بسامد سوگندواژه‌ها در آثار مورد پژوهش

ردیف	نام اثر	بسامد
۱	مثل همه عصرها	-
۲	طعم گس خرمالو	۴
۳	یک روز مانده به عید پاک	۳
۴	چراغها را من خاموش میکنم	۵
۵	عادت میکنیم	۲

نمودار شماره (۲). بسامد قسم و سوگندواژه‌ها در آثار مورد پژوهش



واژه‌های متعلق به زنان، کنشها و رفتارها (خانه‌داری، بچه‌داری، آرایش کردن و...)

برخی از کنشها، رفتار، اعمال و کردار زنانه که از شخصیت‌های داستانی سر میزند در قالب واژه‌های خاص در داستان بکار میرود نیز راوی ادبیات و سبک زنانه است. در کنشهای رفتاری و کرداری، نویسنده بصورت مستقیم واژگانی را بکار میبرد که مخصوص جنسیت زنانه است. این نشانه‌ها را میتوان بصورت دسته‌بندیهای زیر تفکیک نمود:

نشانه‌های رفتاری: انجام اعمال زنانه مانند خیاطی کردن، بافتنی، آرایش کردن، آشپزی کردن، جارو کشیدن و...: «روز تولدم شوهرم برایم ماشین ظرفشویی خرید که کارم کم بشود و عید که شد جاروبرقی نو خرید» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۲۴).

«راحله گفت برایتان سبزی‌پلو ماهی درست کرده‌ام، دوست دارید» (همان: ص ۴۴).

«خورش قورمه سبزی آماده بود و از روی پلوی زعفران زده بخار بلند میشد» (همان: ص ۴۸).

«میز اتو و وسایل خیاطی را به آشپزخانه می‌آورم» (همان: ص ۶).

«خواهرش جلو میز آرایش سیمین ایستاد» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۱۰).

«توی راه مادرم ماتیک قرمز را با دستمال پاک کرد» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۷۲).

«جارو و خاک‌انداز را از گوشه آشپزخانه برداشتم» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۱۰۵).

«گوشی را گذاشتم و رفتم آشپزخانه تا غذا را هم زدم و اجاق را خاموش کردم، تلفن زنگ زد» (همان: ص ۲۳).

«حالا که یکی پیدا شده برای بچه‌اش پدری کرده تو غر میزنی» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۲۱).

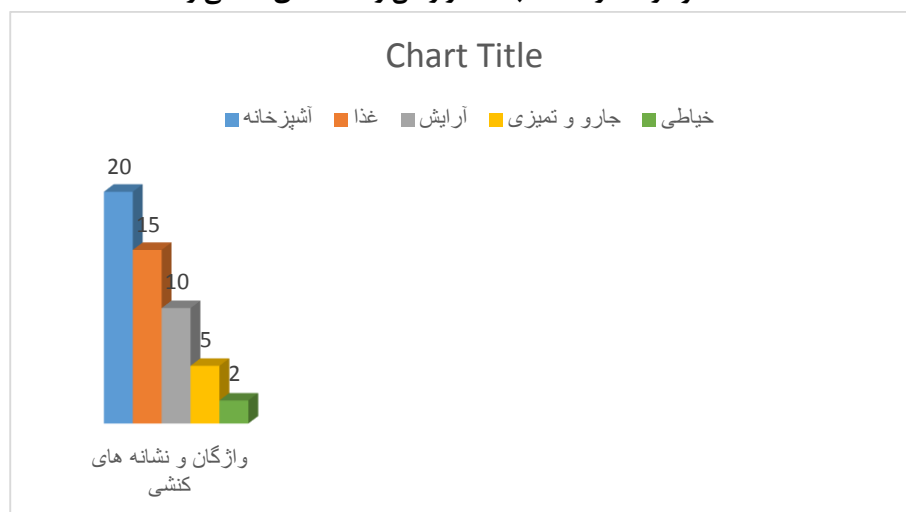
«چرا لباسهای یاسی اصلاً گران نیست» (همان: ص ۳۸).

از میان واژه‌های مرتبط با جارو کردن، آرایش کردن، غذا پختن، آشپزخانه و خیاطی؛ بیشترین بسامد واژگانی در آثار مورد بررسی مربوط به کنشهای رفتاری در حیطه آشپزخانه و غذا میباشد.

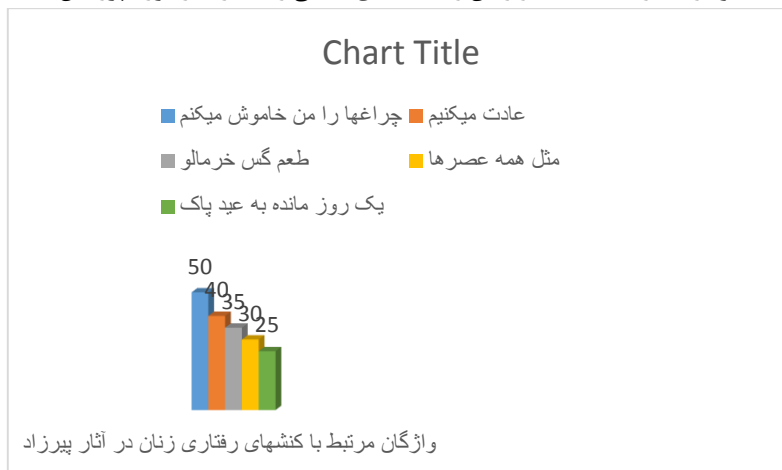
ردیف	نام اثر	بسامد
۱	مثل همه عصرها	۳۷
۲	طعم گس خرمالو	۴۲
۳	یک روز مانده به عید پاک	۱۹
۴	چراغها را من خاموش میکنم	۱۰۹
۵	عادت میکنیم	۶۸

جدول (۳). بسامد واژگان و نشانه‌های کنشی زنانه در آثار مورد پژوهش

نمودار شماره (۳) بسامد واژگان و نشانه‌های کنشی زنانه



نمودار شماره (۴) بسامد واژگان و نشانه‌های کنشی زنانه در آثار مورد پژوهش



تشدیدکننده‌های واژگانی

«زبان‌شناسان معتقدند که زبان زنان از موقعیت فروتر اجتماعی آنها تأثیر پذیرفته است. در بیشتر جوامع، زنهایی که از دسترسی به قدرت در جامعه محرومند، در گفتارشان از روشهایی استفاده میکنند که منزلت آنها را در جامعه تقویت کند. لیکاف یکی از این شیوه‌ها را قویتر کردن آهنگ جملات با استفاده از تشدیدکننده‌های مانند فقط، بیشتر، حتماً، واقعاً، خیلی، حقیقتاً، صد در صد و غیره میداند؛ لذا زنها در مواقع غیرضروری برای اینکه گفتار خود را مهم جلوه دهند از تشدیدکننده‌ها برای قویتر کردن بار معنایی آن استفاده میکنند» (عرب یوسف آبادی، ۱۳۹۵: ص ۸۵). بلحاظ سبک‌شناسی واژگانی یکی از شاخصه‌های زبان زنانه، تشدیدکننده‌هاست. از نظرگاه لیکاف زنان بگونه‌ای سخن میگویند که سعی دارند بیشتر از مردان بر روی جملات خود تأکید نمایند و با تشدید بیشتری جملات و کلمات را ادا نمایند (ر.ک لیکاف، ۱۴۰۳: ص ۱۴۰). بلحاظ جامعه‌شناسی زبان شاید بتوان دلیل این امر را نیاز زنان به شنیده شدن بیشتر در جوامع مردسالار دانست از این رو این اقدام را میتوان نوعی واکنش آگاهانه و هدفمند زنان نسبت به قویتر ساختن صدای خود در محیط خانواده، جامعه و اطراف دانست. بجهت تشدید کلام عموماً از قیدهای خاصی میتوان بهره گرفت قیدهایی مانند «فراوان»، «بسیار»، «اصلاً»، «دقیقاً»، «حتماً»، «هرگز» در آثار پیرزاد و در جملات مورد بررسی، بسامد استفاده از تشدیدکننده بصورت قابل توجهی، چشمگیر است.

«متأسفم حتماً خیلی وحشتناک بود» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۷).

«بچه‌های اداره حتماً از دیدنم خوشحال میشوند» (همان: ص ۲۱).

«دوست داشت دقیقاً بدانند...» (همان: ص ۱۱).

«شاید اصلاً خیال جدی ندارد» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۱۹).

«شما واقعاً به ما لطف دارین» (همان: ص ۴۹).

«فکرم اصلاً کار نمیکرد» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۱۹).

«خودش حتماً از پس همه برمی‌آمد» (همان: ص ۳۵).

«اصلاً مهم نیست» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۷۸).

«ماندن مادر در پیش ما حتماً کمک بزرگی بود» (همان: ص ۱۱۰).

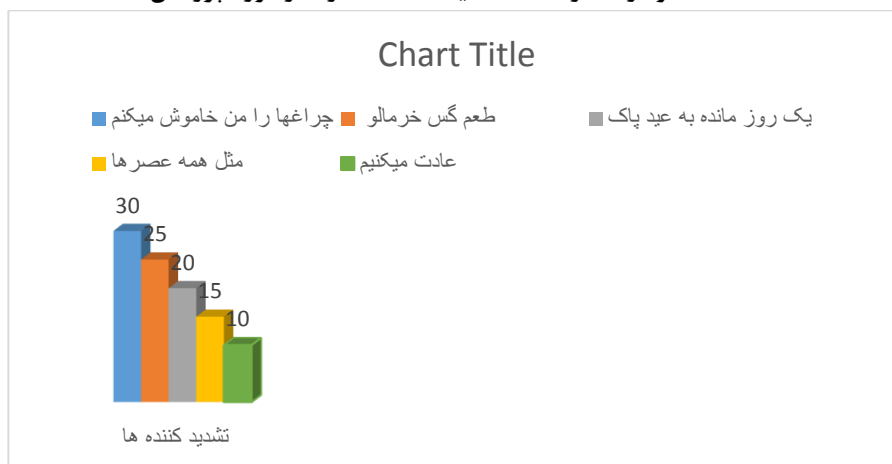
«لاید از دوستهای طاق و جفت ارمنی‌اش» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۱۲).

با بررسی رمانها و داستانهای پیرزاد میتوان نتیجه گرفت از آنجا که بر اساس نظریه سبک‌شناسی زبان زنانه، نویسنده به‌دلیل آنکه احساس میکند در جامعه، جایگاه امن و مطمئنی ندارند، سعی شده نموده تا در زبان گفتاری منعکس شده در داستانها، شخصیتها را از موقعیت مستحکمی بوسیله بهره‌گیری از این تشدیدکننده‌ها برخوردار نماید. در داستانهای پیرزاد، شخصیت‌های زن عموماً در دوراهیهای فکری و احساسی متعدد، در تأیید رفتارهای خود یا اطرافیان، به تناسب موقعیت، سعی در اثبات اندیشه‌ها و افکاری دارند تا بتوانند از شرایط پراضطراب، نوسانات عاطفی و... عبور نمایند. از میان داستانهای پیرزاد، داستان چراغها را من خاموش میکنم (به نسبت حجم) از میزان تشدید کننده‌های بیشتری استفاده کرده است. در میان این تشدیدکننده‌ها، واژه «حتماً» به نسبت به سایر تشدیدکننده‌ها از بسامد بیشتری برخوردار است.

جدول شماره (۴) بسامد تشدیدکننده در آثار مورد پژوهش

ردیف	نام اثر	بسامد
۱	مثل همه عصرها	۵۴
۲	طعم گس خرمالو	۱۰۶
۳	یک روز مانده به عید پاک	۷۳
۴	چراغها را من خاموش میکنم	۳۳۶
۵	عادت میکنیم	۹۱

نمودار شماره (۵) تشدید کننده‌ها در آثار مورد پژوهش



واژگان حسی و انتزاعی

واژگان انتزاعی «واژگانی هستند که بیان‌کننده باورها، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی بوده و واژه‌هایی که بر چیزهای حسی، واقعی و بیرونی دلالت دارند، عینی و حسی بحساب میروند. وفور واژه‌های ذهنی سبب انتزاعی

شدن سبک میگردد» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۲: ص ۲۵۱). بکارگیری واژه‌های حسی، جنبه تجسمی و عاطفی متن را افزایش میدهد و زبان را به سمت و سوی زنانه شدن سوق میدهد. در داستانهای پیرزاد ۴۲۹۱ واژه حسی و حدود ۱۷۰۹ واژه انتزاعی در مجموع ۶۰۰۰ جمله مورد بررسی بکار رفته است. با بررسیهایی که در این زمینه انجام شد، دیده میشود که واژگان حسی با ۷۱ / ۵۱ درصد بسامد، غلبه بر واژگان انتزاعی را نشان میدهد بنابراین سبک واژگانی پیرزاد حسی، روشن و تصویری است تا تصاویر، نمودها و مدلول واضحی را از احساسات نویسنده و شخصیت‌های داستان پیش روی مخاطب قرار میدهد.

نمونه‌هایی از واژگان حسی:

«چشمهای درشتش مثل دو تپله سیاه و براق بود» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۶).

«گلدانهای [پرسیاوشان همیشه سر حال بودند، با برگهای سبز تیره و ساقه‌های سیاه بقول آلتوش شبیه سیم برق]» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۶۱).

«پاییز، وقت آماده شدن برای زمستان بود. ابراهیم لوله‌های آب حیاط را گونی پیچ میکرد. قیرگونی پشت بام را واری میگرد، هیزم و نفت میخرید. گلدانهای شمعدانی و یاس و حُسن یوسف را در گلخانه جا میداد و خرماوفا را که میرسید پیشکشهای خانم را برای همسایه‌ها و اقوام و دوستان میبرد، در سبدهای کوچک سیاه که از طبقه می‌آمد و خانم تویشان گلدوزیهای رنگارنگش را می‌انداخت» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۴۱).

«در دو لنگه ناهارخوری باز شد و ماه منیز بلند گفت بفرمایید شام. بوی عطر و ادکلن و توتون و پیپ و سیگار و سیگار برگ رفت پیشباز بوی کباب و لازانیا و باقالی‌پلو و سوفله مارچوبه» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۵۲).

نمونه‌هایی از واژگان انتزاعی

«از نیمکت روبه رو سعی میکرد خصوصیاتشان را حدس بزند» عصبی است، بی‌دست و پا و ترسوست. از خود راضی است. تازه به پول و پله رسیده بعد زندگی روزمره هرکدام را در ذهن میپروراند و مجسم میکند. قاطی اتفاقها و درگیر مسائلشان میشود. شادیهایشان خوشحالش میکرد و از بدبویها و غمهایشان غصه میخورد. این کار که اوایل حکم بازی سرگرم‌کننده‌ای را داشت به مرور بصورت عادت ناراحت‌کننده درآمد» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۱۳).

«کم کم از یادمان رفت که اگر پدر زنده بود زندگی هیچ تغییری نمیکرد. پدر کتاب میخواند و جدول حل میکرد و غذاهای چرب میخورد و در هیچ مورد اظهار نظر نمیکرد و اگر هم میکرد ما نمیشنیدیم یا میشنیدیم و یادمان نمیماند و به زندگی ادامه میدادیم» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۲۶).

جدول شماره (۵). بسامد واژگان حسی و انتزاعی در آثار مورد پژوهش

شماره	انواع واژگان	تعداد	درصد
۱	حسی	۴۲۹۱	۷۱ / ۵۱
۲	انتزاعی	۱۷۰۹	۲۸ / ۴۹

واژگان عاطفی

«به نظر جسپرسن، زنان از کلمات با بار احساسی زیاد، بیش از مردان استفاده میکنند» (فارسیان، ۱۳۸۷: صص ۱۹ - ۲۰). لیکاف نیز معتقد است برخی صفتهای عاطفی مانند «ملیح» و «شیرین» در زبان انگلیسی، مختص زنان است (لیکاف، ۱۴۰۳: ص ۶۱). این واژگان عمدتاً هیجانات مثبت یا منفی گوینده را در زبان منعکس میکند. واژگان و صفتهای عاطفی و تکیه کلامهای مخصوص زنان از جمله نشانه‌های سبک زنانه است که بصورت دلالت‌های واژگانی ظاهر میشود؛ واژگان عاطفی مانند ناز، خوشگل، ملموس، طفلکی و... یا تکیه کلامهایی مانند خوشم باشه، چه حرفها، دق کردن و... (ر.ک فتوحی، ۱۳۹۲: ص ۴۶). پیرزاد با بهره‌گیری از این واژگان، رنگ و بوی عاطفی بیشتری به کلام خود بخشیده و قالب نوشتار و سبک زنانه کلام خویش را تثبیت نموده است:

«شاهزاده‌ام دسته‌ای گل نرگس به سویم دراز میکرد و میگفت نازنینم دوستت دارم» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۳۳).

«مرد به این نازنینی چرا تنه‌است» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۷۲).

«آخی حتماً مال پسرشه، طفلک جا گذاشته» (همان: ص ۱۸).

«چه زنی، چه نازنینی، گفته‌اش پیدا نمیشد» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۵۰).

«جعبه کبریت را برداشت طفلکی» (همان: ص ۸).

«گند زد به لباس نازنینم» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۷۸).

«چه لباس خوشگلی پوشیدی سوفی» (همان: ص ۲۵).

«شیرین زد به گونه و یواش گفت وامصیبتا» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۱۲).

پیرزاد در «چراغها را من خاموش میکنم» از واژگان عاطفی بیشتری استفاده کرده است.

جدول شماره (۶) بسامد واژگان عاطفی در آثار مورد پژوهش

ردیف	نام اثر	بسامد
۱	مثل همه عصرها	۱
۲	طعم گس خرمالو	۱۰
۳	یک روز مانده به عید پاک	۱۵
۴	چراغها را من خاموش میکنم	۵۰
۵	عادت میکنیم	۳۱

تصدیق‌کننده‌ها

تصدیق‌کننده‌ها به اصوات، کلمات یا واژگانی مانند «بله، آری، جف» و نظایر آن گفته میشود که نشانه‌ای از تأیید و توجه است. «بر پایه نظریه لیکاف، تصدیقگرها از شاخصهای زبان زنانه بشمار میرود و زنان بدین شیوه در حین مکالمه، نقش فعال و مشارکت خود را نشان میدهند؛ البته در حوزه‌های فرازبانی نیز میتوان به لبخند زدن و سر تکان دادن اشاره کرد» (پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ص ۸۶). تصدیق‌کننده‌ها واژه‌هایی مانند «آری» و «بله»، و

کلماتی از این دست میباشند. در میان آثار مورد بررسی در این پژوهش در رمان «چراغها را من خاموش میکنم» میتوان نسبت به سایر آثار مورد بررسی کاربرد «آری/ بله» را بصورت بیشتری ملاحظه نمود.

«آره. وتجبه برای مهمونی» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۱۶).

«آره. مگه با لکه گیری مشهور بشم» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۱۱).

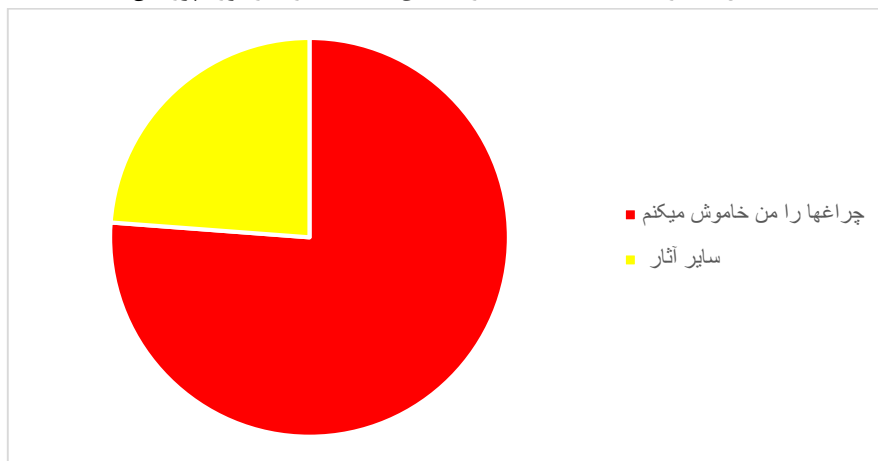
«آره. خیلی قشنگند» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۲۵).

«آره، حتماً جانی خوشگل بوده» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۱۲).

«بله، شاید، نمیدانم» (همان: ص ۵).

«باید چند جا میرفتم، آره» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۳۱).

شکل شماره (۲) بسامد استفاده از تصدیق‌کننده‌ها در آثار مورد پژوهش



تکیه کلامها

تکیه کلامها واژگانی با بار احساسی زنانه هستند که زنان بیشتر از مردان از آنها استفاده میکنند. واژگانی مانند: آخی، طفلکی، الهی، چه ناز، اوا، خدا مرگم بده، ای وای و... گروهی از واژگان نشانه‌دار در ادبیات زنانه مربوط به تکیه کلامهاست.

«وای دیرم شد» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۲۰).

«وای چه موهایی» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۲۴).

«طفلک جا گذاشته» (همان: ص ۸).

«بمیرم الهی» (همان: ص ۱۳).

«جعبه کبریت را برداشت طفلکی» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۸).

«طفلک ویولت چند ماه بیشتر نیست طلاق گرفته» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۳۴).

«بیچاره نعیم از این سر شهر به آن سر شهر» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۳۵).

از میان واژه‌های مورد بررسی در مجموع حدود ۴۰ واژه «طفلی»، «طفلک» و «طفلکی» در آثار مورد بررسی بیشتر بکار رفته است که در رمان چراغها را من خاموش میکنم این بسامد بیشتر است.

نشانه‌های تردید

واژگانی نظیر «شاید، احتمال دارد، ممکن است، نمیدانم» و نظایر آنها که عدم قطعیت را میرساند از جمله تردیدنمایی هستند که عدم اطمینان گوینده را نشان میدهند و البته جنبه مؤدبانه آنها نیز قوی است. «تردیدنماها، صورتهای زبانی هستند که عدم اطمینان و تردید گوینده را در مورد موضوعی بیان میکنند. محیط اجتماعی از نظر زبانشناسان در این گونه بیان بسیار مؤثر است. بنظر میرسد زنان هنگام سخن گفتن با هم جنس خود، بندرت احتمال دارد از عبارات تردیدآمیز استفاده کنند و بر عکس هنگام گفتگو با مردان، بیشتر از شیوه تردیدآمیز در سخن خود استفاده میکنند» (لیپز، ۱۳۹۳: ص ۱۲۱). با بررسی صورت گرفته در چهار اثر زویا پیرزاد مشخص میشود که نویسنده تردیدنمایی مانند «ممکن است»، «حیثاً»، «شاید»، «احتمالاً»، «تقریباً» از جمله پرکاربردترین تردیدنماها در آثار مورد بررسی است که طبق ارزیابی بعمل آمده مشخص میشود که نویسنده از مجموع ۱۸۸ مورد تردیدنمای بکار رفته ۱۲۹ مورد واژه «شاید» استفاده است. بنظر میرسد پیرزاده این شیوه را در سبک زبانی خود بکار گرفته است تا بین مخاطب و خود، احساس همدلی ایجاد کند و شکها و تردیدهای خود را با مخاطب در میان بگذارد. از میان رمانها و داستانهای پیرزاد، تردیدنماها در «چراغها را من خاموش میکنم» بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

«شاید چون خسته‌اند» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۷).

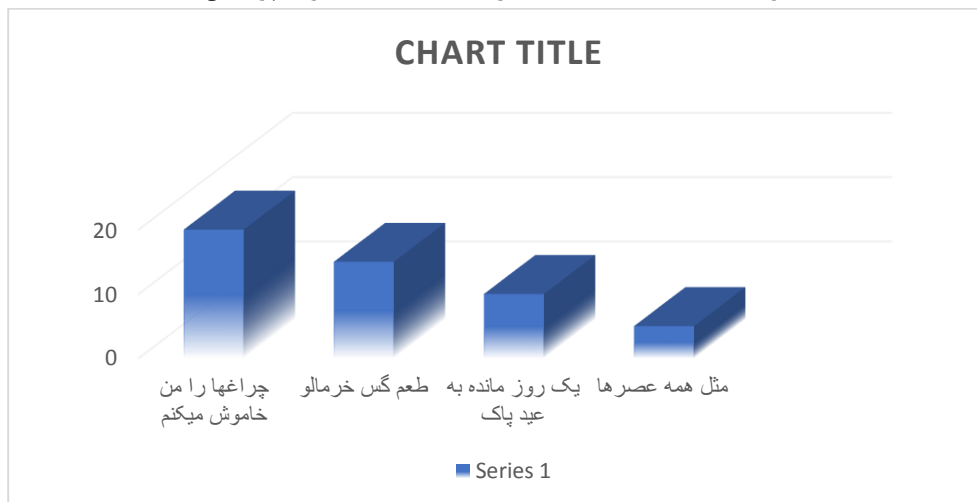
«شاید هم حق با فرامرز» (پیرزاد، ۱۳۷۶: ص ۴۸).

«شاید طاهره رفته توی اتاق» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۱۳).

«شاید هم درخت کنار خودروست» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۱۵).

«از ترس پولی که باید برای تلفن تازه میداد یا شاید...» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۵۹).

نمودار (). بسامد استفاده از تردیدنماها در آثار مورد پژوهش



رنگواژه‌ها

بلحاظ زبانشناسی از آنجا که زنان در پدیده‌های جزئی، دقت و نگاه عمیقتری دارند، همین ویژگی سبب گستره لایه واژگانی در کاربرد و توجه به انواع رنگها میشود (رک باقری و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۶). عنصر رنگ میتواند

بیانگر احساسات زنانه باشد چرا که توجه به رنگ‌واژه‌ها، نگرش و عواطف خاص زنان را بخوبی منعکس می‌سازد. فتوحی درباره کاربرد رنگ‌واژه‌ها در سبک زبانی زنان می‌گوید: «نگارش جزئیات یک اتفاق یا یک صحنه و دقت در ریزه‌کاریهای امور، از ویژگیهای نگاه و نوشتار زنانه است» (۱۳۹۲: ص ۴۱۴). از این رو زنان در توجه به رنگها نیز از ویژگی ذاتی جزئی‌نگری خود بهره می‌برند. لیکاف معتقد است «این تفاوت در نحوه کاربرد رنگها از سوی زنان و مردان، میتواند به این سبب باشد که در جامعه ما مردان فقط به موضوعات کاری و سیاسی و اجتماعی علاقه دارند و مسائل جزئی و پیش پا افتاده را بعهده زنان میگذارند» (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ص ۵۴۷). پیرزاد بوفور از رنگها استفاده کرده است که همین مسأله میتواند نشان‌دهنده توجه او به جزئیات امور و همان جزئی‌نگری وی باشد:

«با لباسی بی‌لک به رنگ آبی آسمان توی صندلی دسته‌دارش نشسته بود» (پیرزاد، ۱۳۷۵: ص ۲۷).

«لباس سبزی پوشیده بود» (همان: ص ۳۲).

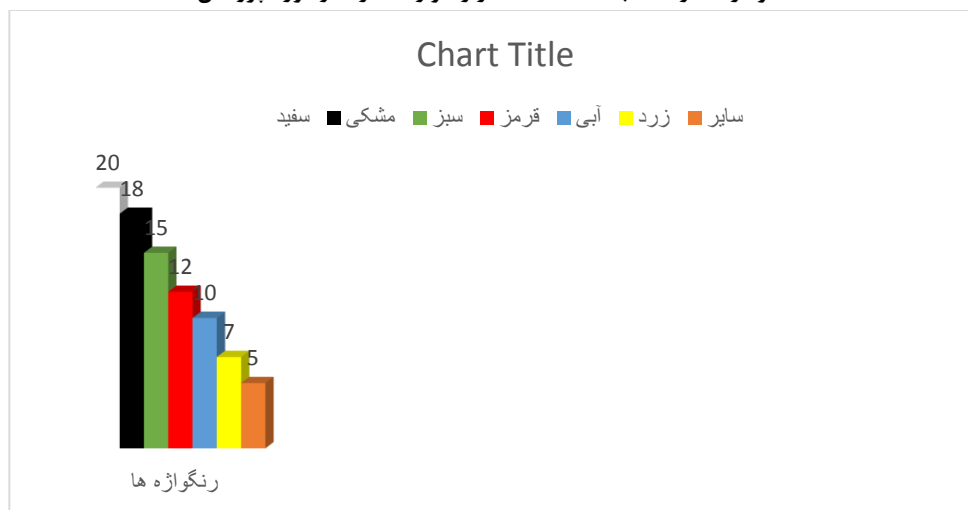
«فنجان سفید بود با گل‌های ریز صورتی» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ص ۱۲).

«مادر طاهره هنوز بیرون را نگاه میکرد، پابرنه بود و باد به دامن سیاه بلندش موج میداد» (پیرزاد، ۱۳۷۷: ص ۱۱).

«توی اتاق پذیرایی گله به گله راحتیهای طلایی چیده شده بود با رویه‌های آبی کمرنگ و آبی پررنگ و سرمه‌ای» (پیرزاد، ۱۴۰۲: ص ۳۸).

پیرزاد در مجموع ۶۰۰۰ جمله مورد بررسی در حدود ۶۰۰ بار از رنگ‌واژه‌ها استفاده کرده است که در این میان رنگ‌واژه سفید بسامد بالاتری دارد.

نمودار شماره (۶). بسامد استفاده از رنگ‌واژه‌ها در آثار مورد پژوهش



بسامد آماری بهره‌گیری پیرزاد از رنگ‌واژه‌ها نشان می‌دهد که این رقم نسبتاً بالاست و نویسنده بر طبق اصول و مؤلفه‌های نوشتار زنانه در این زمینه پیش رفته است.

نتیجه‌گیری و پایان بحث

یافته‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تقریباً هیچ گزاره و مؤلفه سبکی در لایه واژگانی بر اساس رویکرد سبک‌شناسی زبان زنانه بویژه با تأکید بر نظریات لیکاف و سبک‌شناسی واژگانی فتوحی نمیتوان یافت که با زبان شخصیت‌های زن در داستانهای مورد پژوهش در این جستار از زویا پیرزاد در تعارض باشد. از برآیند تحلیل و تبیین سبک‌شناسی لایه‌ای در لایه واژگانی در پنج اثر مورد بررسی از زویا پیرزاد مشخص میشود که این آثار در اغلب موارد زبان شخصیت‌ها زبانی کاملاً زنانه است. از میان شاخصه‌های مورد بررسی دشواژه‌ها بصورت بسیار محدودی بکار رفته است و پیرزاد بر طبق الگوی زبانی لیکاف که زبان زنان را مؤدبتر از مردان میداند، از دشنام و کلمات رکیک بصورت بسیار محدود و ناچیز استفاده کرده است. در مقابل تشدیدکننده‌ها و کلمات عاطفی و واژگانی که بار کنشی و رفتاری زنانه دارند در این آثار بصورت قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. از میان رنگها، رنگ سفید و مشکی، در مجموعه آثار بررسی شده بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. تصدیق‌کننده‌ها، تشدیدکننده‌ها، تکیه‌کلامها و کلماتی که بار عاطفی زنانه دارند و مربوط به حوزه‌های خانه‌داری و امور زنانه و کنشهای رفتاری زنان بویژه در خانه هستند مانند غذا پختن واژگانی در خصوص آشپزخانه و آشپزی بسامد قابل ملاحظه‌ای را در آثار یاد شده به خود اختصاص داده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان استخراج شده است. خانم دکتر مهری تلخایی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر حیدر حسنلو (مشاور اول) و سرکار خانم دکتر نزهت نوحی (مشاور دوم) و خانم لیلا منصوره پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان و مسئولین و اساتید فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Alavi Moghadam. Mehyar (2018). Theories of contemporary literary criticism. Fourth edition. Tehran: Samit, p. 57.
- Arab Yusufabadi. Faezeh and Arab Yusufabadi. Abdul Baset (2015). Gender markers in the novel Love and My Bird based on the model of Robin Likoff. Two quarterly journals of Farsi-Arabic comparative studies. Year 3. Number 5. pp. 77-95.

- Arbab. Sepideh (2012). Review and classification of common Persian language slang words in general circulation. *Comparative linguistic research*. Year 2. Number 4. pp. 124-107.
- Bagheri. Masoumeh (2019). Stylistic analysis of novels by contemporary women writers based on seven novels of *Wandering Island*, *Dog and Long Winter*, *Tehran Nights*, *Heart of Steel*, *I turn off the lights*, *Dream of Tibet* and *Redness of you from me*. A specialized monthly magazine of the stylistics of Persian poetry and prose (*Bahar Adab*). Thirteenth year. Number three. Series 49. pp. 1-18.
- Dirpar. Maryam (2013). Layered stylistics: description and explanation of the style of Ghazali's letter number one in two layers of vocabulary and rhetoric. *Literary Quarterly*. No. 27. pp. 115-136.
- Farsian. Mohammadreza (1999). Gender in vocabulary. Thesis of Master of General Linguistics. Tehran: University of Tehran, pp. 19-20.
- Fayaz Ibrahim and Rahbari. Zohreh (2006). Female voice in contemporary literature. *Women's research*, volume 4, number 4, pp. 23-5.
- Fotuhi Roud Majani. Mahmoud (2012). *Stylistics: Theories, Approaches and Methods*, Second Edition. Tehran: Sokhon, pp. 402-114-238-92. 414-251-406.
- Jan Najad. Mohsen (2001). Language and gender: Socio-linguistic research on language differences between Iranian male and female speakers in conversational interaction. Doctoral dissertation. University of Tehran, p. 75.
- Khojastepur. Saeedeh and others (2022). Feminist writing components in the novel *Ahl Ghareq* by Mouniro Ravipour, relying on the feminist stylistics of Sarah Mills. *Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylology (Bahar Adeb)*. Volume 15, serial number 82, pp. 45-63.
- Lakoff. Robin (2024). *Language and position of women*. Translation: Yaser pour Ismail and Maryam Khodadadi. Fourth edition. Tehran: Negah, pp.61 12-21-28-140.
- Lipz. Hillary. M (2013). *Women's psychology from a new perspective: gender, culture, ethnicity*. Translation: Fatemeh Bagharian. Tehran: Shahid Beheshti University Press, p. 121.
- Mahmoudi Bakhtiari. Behrouz and Dehghani. Maryam (2012). The relationship between language and gender in Persian novels: a review of six novels. *Women in culture and art*. Fifth period. Number 4. pp. 556-543.
- Najafi Arab. Melahat (2014). Criticism and analysis of the novel "I turn off the lights" from the perspective of language and gender. *Literary Sciences bi-quarterly*, year 4, number 7, pp. 181-211.
- Pak Nahad Jabaruti. Maryam (2002). *Superiority and inferiority in language*. Tehran: Gam Nou, p. 86.
- Pirzad. Zoya (1996). *Like every evening*. Second edition. Tehran: Nashre Markaz.
- _____ (1997). *The Acrid of persimmon*. First edition. Tehran: Nashre Markaz.
- _____ (1998). *The Day Before Easter*. Tehran: Nashre Markaz.
- _____ (2001). *I turn off the lights*. Tehran: Nashre Markaz.
- _____ (2023). *We Will get used to it*. One hundred and seventy-two editions. Tehran: Nashre Markaz.
- Shirdast. Abdul Reza and others (2019). The stylistics of the words of the collection of poems of Persian poets of Mazandaran from 1357 to the end of 1397 with a layered

approach. Specialized Monthly of Persian Poetry and Prose Styloogy (Bahar Adeb). Thirteenth year. Number five. Series 51. pp. 23-45.
Verdank. Peter (2013). Shaar al-Ajam Translation: Seyyed Mohammad Taghi Fakhrdaei. Second edition. Tehran: World of Books, p. 198.

فهرست منابع فارسی

- ارباب. سپیده (۱۳۹۱). بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج زبان فارسی در تداول عامه. پژوهش‌های زبانشناسی تطبیقی. سال ۲. شماره ۴. صص ۱۰۷ - ۱۲۴.
- باقری. معصومه (۱۳۹۹). بررسی سبک‌شناسانه رمانهای نویسندگان زن معاصر با تکیه بر هفت رمان جزیره سرگردانی، سگ و زمستان بلند، شبهای تهران، دل فولاد، چراغها را من خاموش میکنم، رؤیای تبت و سرخی تو از من. ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال سیزدهم. شماره سوم. پیاپی ۴۹. صص ۱ - ۱۸.
- پاک نهاد جبروتی. مریم (۱۳۸۱). فرادستی و فرودستی در زبان. تهران: گام نو، صص ۸۶ پیرزاد. زویا (۱۳۷۵). مثل همه عصرها. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۷۶). طعم گس خرمالو. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۷۷). یک روز مانده به عید پاک. تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۰). چراغها را من خاموش میکنم. تهران: مرکز.
- _____ (۱۴۰۲). عادت میکنیم. چاپ صد و هفتاد و دو. تهران: مرکز.
- جان‌نژاد. محسن (۱۳۸۰). زبان و جنسیت: پژوهش زبانشناختی - اجتماعی در تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای. رساله دکتری. دانشگاه تهران، صص ۷۵.
- خجسته‌پور. سعیده و دیگران (۱۴۰۱). مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در رمان اهل غرق منیرو روانی‌پور با تکیه بر سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز. نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۵. شماره پیاپی ۸۲. صص ۴۳ - ۴۵.
- دُرپر. مریم (۱۳۹۳). سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین یافت‌مند سبک نامه شماره یک غزالی در دو لایه واژگان و بلاغت. فصلنامه ادب‌پژوهی. شماره ۲۷. صص ۱۱۵ - ۱۳۶.
- شیردست. عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۹). سبک‌شناسی واژه‌های مجموعه شعرهای شاعران فارسی‌سرای مازندران از سال ۱۳۵۷ تا پایان سال ۱۳۹۷ با رویکرد لایه‌ای. ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال سیزدهم. شماره پنجم. پیاپی ۵۱. صص ۲۳ - ۴۵.
- عرب یوسف‌آبادی. فائزه و عرب یوسف‌آبادی. عبدالباست (۱۳۹۵). نشانگرهای جنسیتی در رمان عاشقنی و پرنده من بر مبنای الگوی رابین لیکاف. دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی. سال ۳. شماره ۵. صص ۷۷ - ۹۵.
- علوی مقدم. مهیار (۱۳۹۸). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. چاپ چهارم. تهران: سمت، صص ۵۷.
- فارسیان. محمدرضا (۱۳۷۸). جنسیت در واژگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی. تهران: دانشگاه تهران، صص ۱۹ - ۲۰.
- فتوحی رودمجنی. محمود (۱۳۹۲). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها، چاپ دوم. تهران: سخن، صص ۹۲ - ۲۳۸ - ۱۱۴ - ۴۰۲ - ۴۰۶ - ۲۵۱ - ۴۱۴.
- فیاض. ابراهیم و رهبری. زهره (۱۳۸۵). صدای زنانه در ادبیات معاصر. پژوهش زنان، دوره ۴. شماره ۴. صص ۵ - ۲۳.
- لیپز. هیلاری. ام (۱۳۹۳). روانشناسی زن از نگاهی نو: جنسیت، فرهنگ، قومیت. ترجمه: فاطمه باقریان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، صص ۱۲۱.

لیکاف. رابین (۱۴۰۳). زبان و جایگاه زن. ترجمه: یاسر پور اسماعیل و مریم خدادادی. چاپ چهارم. تهران: نگاه، صص ۱۲-۶۱-۲۱-۲۸-۱۴۰.

محمودی بختیاری. بهروز و دهقانی. مریم (۱۳۹۲). رابطه زبان و جنسیت در رمان فارسی: بررسی شش رمان. زن در فرهنگ و هنر. دوره پنجم. شماره ۴. صص ۵۴۳-۵۵۶.

نجفی عرب. ملاحظ (۱۳۹۴). نقد و تحلیل رمان چراغها را من خاموش میکنم از منظر زبان و جنسیت. دو فصلنامه علوم ادبی. سال ۴. شماره ۷. صص ۲۱۱-۱۸۱.

وردانک. پیتر (۱۳۹۳). شعرالعجم. ترجمه: سید محمد تقی فخرداعی. چاپ دوم. تهران: دنیای کتاب، ص ۱۹۸.

معرفی نویسندگان

لیلا منصوری: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
(Email: mansoureiili2020@gmail.com)
(ORCID: 0000-0001-6044-5317)

مه‌ری تلخابی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
(Email: mehri.talkhabi5458@iaui.ac.ir: نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0003-0893-293x)

نزهت نوحی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
(Email: noohi_nozhat@yahoo.com)
(ORCID: 0000-0001-9103-3542)

حیدر حسنلو: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
(Email: nastuh49@yahoo.com)
(ORCID: 0000-0003-1881-2229)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Leila Mansouri: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
(Email: mansoureiili2020@gmail.com)
(ORCID: 0000-0001-6044-5317)

Mehri Talkhabi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
(Email: mehri.talkhabi5458@iaui.ac.ir: Responsible author)
(ORCID: 0000-0003-0893-293x)

Nozhat Noohi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
(Email: noohi_nozhat@yahoo.com)
(ORCID: 0000-0001-9103-3542)

Heydar Hassanloo: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
(Email: nastuh49@yahoo.com)
(ORCID: 0000-0003-1881-2229)